

نقش مراکز و کانون‌های علمی-آموزشی در دستیابی به علوم انسانی قرآن بنیان لاله افتخاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

چکیده:

قرآن کریم ضمن تجلیل از جایگاه علم و مقام دانشمندان، خود را جامع تمامی علوم و معارف معرفی می‌کند. بررسی تاریخ اسلام نیز نشانگر اهتمام ویژه نبی اکرم(ص) و دیگر یادگار گرانسنگ آن حضرت، نسبت به تأسیس مراکز علمی و گسترش و نشر دانش اسلامی است. امروزه در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که بر اساس آموزه‌های قرآن و عترت(ع) تأسیس شده، پس از گذشت چهار دهه هنوز علوم قرآن بنیان در مراکز علمی و پژوهشی دچار مهمجوریت می‌باشند. برای تغییر این رویکرد و توجه به نقش نخبگان و مراکز علمی و آموزشی در تبیین چرایی و چگونگی تحقق علوم انسانی قرآن بنیان بر کسی پوشیده نیست. لذا این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش اسنادی و تحلیلی، نقش مراکز علمی در دستیابی به علوم انسانی قرآن بنیان را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان اصلی: دانش قرآن بنیان، علوم انسانی، مراکز علمی-آموزشی.

مقدمه

در تعلیم و تربیت سه ضلع معلم، متعلم و محتوا مدنظر است معلم خدا، متعلم انسان و مدرسه عالم است اما محتوا در تمام علوم بویژه در علوم انسانی که برای شناخت و هدایت انسان و جامعه بشری برنامه‌ریزی می‌شود، باید رنگ قرآنی داشته، قرآن بنیان باشد؛ زیرا انسان کامل که براساس حدیث ثقلین عدل قرآن است قرآن ناطق خوانده شده است. اما آنچه امروزه در مراکز آموزشی از جمله دانشگاه‌ها اتفاق می‌افتد عموماً "باسم رب" نیست و هرچند که تمامی علوم چهارگانه، یعنی علوم طبیعی، فنی، انسانی و پایه باید باسم رب باشد اما حداقل آن است که علوم انسانی که ماهیت آن با دیگر علوم متفاوت است باید مبتنی بر نگاه توحیدی و وحیانی باشد. چراکه موضوع سه گروه دیگر علوم وقایع و پدیده‌های عالم است، اما موضوع علوم انسانی، انسان است که برای دیگر علوم نقش هدایتگر و راهبری دارد. مقام معظم رهبری علوم انسانی را روح جامعه و همه دانشها و تحرکات در یک جامعه را مثل یک کالبد می‌دانند، که از این روح تبعیت می‌کنند و اگر اساس آن درست نباشد علوم انسانی غربی می‌شود که مبنایش مادیگری است؛ مبنایش حیوان انگاشتن انسان و عدم مسئولیت او در قبال خداوند و نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. (رهبری ۱۳۸۸/۶/۸)

لذا باید باتکیه بر عقلانیت دین محور و بهره‌گیری متقن از معارف کامل و جامع قرآن مجید و اهل بیت (ع) و تجربه منسجم، مبانی و مسائل علمی همچون اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روانشناسی و... را از نوصورت بندی کرد درغیراین صورت باید التزام عملی به حکومت کفرراپذیرا شویم. (میرباقری، ۱۳۸۹: ۲۷)

روش تحقیق

روش این پژوهش اسنادی - تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی است که بر اساس سؤال و هدف اصلی تحقیق به صورت هدفمند می‌باشد. در این پژوهش ابتدا مفهوم علوم انسانی، علوم قرآن بنیان و مراکز آموزشی بررسی شده سپس نقش مراکز آموزشی در گسترش علوم انسانی قرآن بنیان، اقسام، لوازم، الگوها، روش‌ها و رسالت افراد، گروه‌ها و مسئولین در قبال مراکز و کانونهای علمی-آموزشی مورد بررسی قرار گرفته در نهایت جمع بندی انجام می‌گیرد.

مراکز و کانون های علمی-آموزشی از جمله بخش های تأثیرگذار در تعلیم و تربیت و به منزله ظرفی است که از منظرفی همچون معلم، متعلم و محتوا برخوردار می باشد که همه در فرآیند و برونداد تعلیم و تعلم تأثیرگذارند. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران انتظار می رفت همپای شعارها و مطالبات مردم و نیز قانون اساسی کشور که مبتنی بر آموزه های ثقلین بود مراکز و محتوای علمی-آموزشی بویژه در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی مبتنی بر آموزه های قرآن و عترت تنظیم و تدوین گردد؛ لیکن نه در ساختار و نه در محتوا چنین امری بطور کامل تحقق نیافت و برغم تأکید و تصریح حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری بر ضرورت توجه به علوم انسانی مبتنی بر فرهنگ اسلامی و قرآن اقدام جدی و عملی از سوی مسئولین صورت نگرفته است، جا دارد نخبگان بدان همت گمارند.

همچنین سعید بهمنی در مقاله "نظام سازی قرآن بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)" بیان می کند که : در دو دهه اخیر پس از انقلاب (۱۳۵۷) ایران شاهد به کار گیری چهار مفهوم اساسی اسلامی سازی علوم، علوم انسانی قرآن بنیان، نظام سازی قرآن بنیان و نظریه پردازی قرآن بنیان در ادبیات علمی کشور بوده است. کاربرد مفهوم نظام سازی قرآنی در سند منشور توسعه فرهنگی قرآنی کشور تا اندازه ای به گسترش این مفهوم دامن زده است. پس از آن، مفهوم نظریه پردازی قرآن بنیان نیز در جامعه علمی و برخی اسناد راهبردی مطرح شد؛ زیرا نظام سازی در گرو نظریه پردازی است. رواج مفاهیم یادشده علایمی از خیزش برای انقلابی علمی در علوم انسانی است. مساله کسانی که بر این مفاهیم تأکید دارند آن است که علوم برآمده از فلسفه و بنیادهای نظری رایج در دنیا نمی تواند مشکلات جوامع اسلامی را در جهت رسیدن به اهداف الهی حل کند. برخی بزرگان، دانشمندان و پژوهشگران داخل و خارج کشور نظریه هایی درباره این مفاهیم بیان کردند یا نوشته اند. سوال این است که معنی این مفاهیم چیست راهبردهای دستیابی به آنها کدام اند راهبردهای پیشنهادی با چه فرایندی محقق می شوند مفاهیم یادشده در سطحی از انتزاعی بودن قرار دارند که می توان آنها را اهداف علمی انقلاب اسلامی به شمار آورد. نسبت میان این مفاهیم عام و خاص، مطلق و به ترتیب هر یک اعم از دیگری و بر آن تقدم دارد. مقاله به بیان مفاهیم چهارگانه یادشده، راهبردها و فرایندهای تحقق آنها خواهد پرداخت و نشان میدهد که نظام سازی، تولید علوم انسانی قرآن بنیان و اسلامی سازی علوم در گرو نظریه پردازی

قرآن بنیان است. ما در ایران پس از نزدیک به چهار دهه بررسی و پردازش مفاهیم اساسی به ضرورت نظریه پردازی قرآن بنیان رسیدیم، در حالی که شهید سیدمحمدباقر صدر در این امر پیشتاز بوده و از همان ابتدا بر نظریه پردازی اهتمام ورزید. این بدان معنی است که ما از آورده علمی وی استفاده نکرده ایم و هنوز در دوره پیشاصدری به سر می بریم.

حسین بابایی مجرد و محمد عبدالحسین زاده در مقاله "نظام سازی قرآن بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی" بررسی می نماید که: نظام سازی در زبان عرف و بعضاً اهل علم، مشترک معنوی برای چهار مصداق نظام شناسی (در ساحت تکوین)، نظام یابی (در ساحت تشریع)، نظام سازی (در ساحت اعتباریات) و نظام گذاری (در ساحت عینی) است. احمد آکوچکیان و همکاران در مقاله "ماهیت و ساختار معرفت شناخت، روش شناخت علوم انسانی قرآن بنیان" بیان می کند که: عقلانیت اجتهادی قرآن شناخت به مثابه رکن مقوم عقلانیت دینی برای سامان بخشی بنیان اندیشه ای و دانشی اندیشه، نظریه و گفتمان رشد توسعه معاصر ملی (ایرانی اسلامی)، ناگزیر جریان یابی و تبلور در منظومه علوم انسانی جامع است. از این رهگذر پرسش اصلی در افق نظام ملی تولید علم، همچنین نقشه راه الگوی پیشرفت، سوال از چیستی علوم انسانی دین شناخت قرآنی در حیث اصالت، همچنین کارآمدی و بالمآل اقتدار توسعه ای علوم انسانی قرآن بنیان است.

مبانی نظری

۱) علوم انسانی

علوم انسانی علمی است که در آن نه تنها جهان بلکه حیات مادی، بدن، ذهن، حیات درونی و حالات روانی انسان مورد مطالعه قرار می گیرد. (مجتبوی، ۱۳۶۳: ۶۳-۱۰). در گذشته علوم انسانی نسبتاً با علوم طبیعی مترادف بود و تحت عنوان حکمت عملی طبقه بندی شده بود. در معارف اسلامی نیز با علمی همچون علم النفس، اخلاق و تدبیر منزل برخورد می کنیم که می توان آنها را به عنوان علوم انسانی قلمداد کرد (آ کوچکیان، ۱۳۹۶: ۴۲) آیه الله جوادی علوم انسانی را فهم روشمند واقعیت ها، پدیده ها، رفتارها و کنش های انسانی باهدف تربیت فردی و مدیریت اجتماعی زندگی انسان می داند. (جوادی، ۱۳۹۳: ۲۶۱-۲۶۰).

۲) دانش قرآن بنیان

دانش قرآن بنیان دانشی است که بر مبنای معرفت و تعالیم قرآنی بنا شود. این مبنا در تمام علوم باید لحاظ گردد اما در علوم انسانی مهم‌تر از دیگران است. امام خمینی (ره) ضمن آنکه علوم را از نظر مقصد به دو نوع دارای مقصد مادی و الهی تقسیم می‌کند می‌فرماید: "اگر قرآن نبود باب معرفت الله بسته بودالی الابد" (همان، ۱۳۹۳، ۱۷: ۴۳۳) نتیجه این می‌شود که اگر قرآن نباشد باب هرگونه معرفت و علمی بسته است. بنابراین اگر علم حقیقی در اندیشه اسلامی معرفت به خداست حرکت مبتنی بر فطرت و همسو با هدف خلقت انسان که او را به سوی کمال رهنمون می‌گردد باید مبتنی بر معارف قرآن باشد و هر آنچه که غیر آن است علم نامیده نخواهد شد بلکه سراب یا حجاب اکبر است چرا که خداوند فرمود "و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون" (ذاریات/۵۶) و گفته شده که مقصود، "الا ليعرفون" (رازی، ۱۴۰۸، ۱۸: ۱۱۵) است یعنی هدف از خلقت انسان، دستیابی به معرفت الهی است و اگر برای معرفت الهی از در آن که قرآن است ورود نشود از هدف خلقت فاصله گرفته شده است. امام‌شکل اصلی از آنجا سرچشمه می‌گیرد که منشا علوم انسانی موجود، اندیشه سکولاریست که خاستگاه آن مسیحیت تاریخی است که با اندیشه اصیل مسیحیت اختلاف دارد چراکه مسیحیت آنگاه که به غرب رفت در عوض آنکه غرب را مسیحی سازد خود به مسیحیت غربی تغییر یافت. دانش سکولار جهان را کتابی می‌بیند که اول و آخر آن افتاده است؛ متن دارد اما خالی از مقدمه و نتیجه‌گیری است، مبدا و مقصد آن نامعلوم است و به ناکجا آباد می‌رود اما دانش توحیدی هدفمند است؛ جهان را کتابی کامل می‌داند و سیر انسان در جهان را بر اساس "انا لله و انا الیه راجعون" (بقره/۱۵۶) در نظر می‌گیرد. در تمدن توحیدی اما دو بعد مادی و معنوی انسان مورد نظر است لذا بعد مادی انسان یعنی علم، تکنولوژی و پیشرفت در حقیقت ابزاری برای آن متن واصل که همان سبک زندگی اسلامی - الهی و حیات طیبه است می‌باشد. بنابراین اگر در قرآن از دعوت انبیا به توحید و معاد سخن بمیان آمده توجه آنها به نیازهای بشری نیز مطرح شده است مانند آن که می‌فرماید: "و علمناه صنعه لبوس" (انبیاء/۸۰)؛ یا "والنا له الحديد" (سبا/۱۰)

در مورد گستره علوم قرآن بنیان اختلاف نظر است. برخی از اندیشمندان علوم قرآن بنیان را تنها در علوم انسانی و برخی فراتر از آن دیده اند؛ آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که اگر تفسیر قول خدا (در علمی مانند تفسیر و کلام) علم اسلامی را به دست می‌دهد تفسیر فعل خدا در واکنشهایی مثل فیزیک و شیمی نیز علم اسلامی محسوب می‌شود زیرا علم یکی است بدان جهت که علم اگر

علم باشد هرگز غیر اسلامی نمی شود. علمی که اوراق کتاب الهی را ورق می زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی دارد به ناچار اسلامی و دینی است. ما هرگز فیزیک و شیمی غیر اسلامی نداریم. زیرا علم صائب تفسیر خلقت و فعل الهی است و تبیین کار خدا حتماً اسلامی است گرچه فهماننده این حقیقت را در نیابد." (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۴۴) لذا برای اسلامی ساختن متون درسی دانشگاه‌ها و اسلامی ساختن دانش‌ها باید اولاً عنوان "طبیعت" برداشته شود و به جای آن عنوان "خلقت" قرار گیرد و خداوند به عنوان خالق که مبدء فاعلی است منظور شود. ثانیاً: باید تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن تفسیر جزء دیگر آن باشد تا از سنخ تفسیر تکوین به تکوین به شمار آید نظیر تفسیر تدوین به تدوین؛ زیرا هر موجودی از موجودهای نظام آفرینش آیه، کلمه و سطری از آیات، انسان باید برای خود علم، مبدا و هدف قائل باشد و گمان نکند که علم صرفاً حاصل کوشش‌های شخصی او و یا حاصل شانس و اتفاق و تصادف هست و تفکر کارونی را کنار بگذارد و بداند علم از آن رو که علم است الهام الهی است و از جانب او افاضه می‌شود: "علم الانسان ما لم يعلم" (علق/۵) و کار بشر فراهم کردن شرایط و زمینه برای حصول این تعلیم و افاضه است و لذا عالی‌ترین علم آن است که مستقیماً از نزد خدا حاصل شود یعنی همان علم لدنی؛ و جایگاه و مرتبه چنین علمی بسیار بیشتر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۴۵)

۳) دلایل امکان دستیابی به علوم قرآن بنیان (علوم انسانی و غیر انسانی)

برخی برآنند که در اسلام و قرآن تنها مسائل مرتبط با هدایت انسان آمده است و برخلاف آنها گروهی قرآن را مشتمل بر تمام علوم مورد نیاز بشر اعم از مادی و معنوی می‌دانند. عده‌ای نیز راه میانه را درپیش گرفته و برآنند که درآموزه‌های اسلامی و قرآنی از باب "علینا القاء الاصول وعلیکم بالتفرع" به کلیاتی از تمامی علوم مورد نیاز بشر اشاره شده است لیکن جزئیات و تفصیل آن بعضاً در کلام معصومین به عنوان مفسران قرآن ذکر شده و یا از طریق اجتهاد بدست می‌آید. (مصباح، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۳) دیدگاه صحیح نیز همین است که از افراط و تفریط بدور بوده راه اعتدال را درپیش گرفته است.

بعض ادله این دیدگاه (باورمندان به جامعیت قرآن) عبارتند از:

۳-۱) آیات قرآن: مانند ۸۹ سوره نحل که عبارت "کل شیء" نشانگر آن است که نه تنها مسائلی مربوط به مبدا و معاد، اخلاق، احکام شرعی، مواعظ و قصص بلکه هرآنچه برای انسان لازم است در آن وجود دارد.

۳-۲) روایات دال بر جامعیت علوم در قرآن و نزائمه

امام سجاد (ع) در ضمن دعاها برای انسان ساز خود، معارف عظیم اسلامی و نیز مطالب و دقایق علمی را گنجانیده اند. نمونه ای از آن دعای ۵۱ صحیفه است که از وزن و جرم آسمانها، زمین، ماه و خورشید سخن می گوید (حسنی، ۱۳۹۲، ۲: ۱۰۰)

از امام رضا (ع) نیز نقل شده است: "ان الله عزوجل لم يقبض نبيه (ص) حتى اكمل له الدين وانزل عليه القرآن فيه تبيان كل شئ بين فيه الحلال والحرام والحدود والاحكام وجميع ما يحتاج اليه الناس كملا" (صدوق، ۱۴۱۷: ۹۷)

۳-۳) گفتار بزرگان درباره جامعیت علم دینی و سازگاری جهان بینی دینی با علم

امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: "انسان چون یک مجموعه ای است که احتیاج به همه چیز دارد انبیاء آمده اند که آن همه احتیاجات انسان را برای او بیان کنند که انسان اگر بدان عمل بکند به سعادت می رسد. (امام خمینی، ۱۳۹۳، ۴: ۱۹۰) رهبرانقلاب نیز چنین فرمودند: "جهان بینی دینی ای که ما از قرآن می گیریم تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراء الطبیعه و از توحید تمثیت الهی و تقدیر و قضا و قدر داریم با علم سازگار است لذا تولید کننده و تشویق کننده علم است." (رهبری ۱۳۸۳/۹/۲۶)

۳-۴) روایات بیانگر پیشرفت و ترقی در زمان حکومت مهدوی (ع)

این روایات در مجموع بیانگر آن است که در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) اولاً: همه شعبه ها و گونه های مختلف دانش بشری از رشد و پیشرفت زیادی برخوردار خواهند شد. ثانیاً: این دانش پیشرفته مرتبط با غیب و علم نامحدود الهی است و این رشد در دومولفه قابل بررسی است: یکی در زندگی دنیوی که مردم در آسایش و رفاه بیشتری خواهند بود. دیگر آنکه در پرتو دانش، حکمت و رفاه، زندگی مردم معنوی و اخلاقی می شود. (کارگر، ۱۳۸۹: ۳۶۸) ثلثاً: در حکومت مهدوی مساجد و مراکز دینی نماد پیشرفت می باشند؛ عصر نورانی ایشان دوران شکوفایی بشر در صنعت، تکنولوژی، عمران و توسعه همه جانبه است زیرا "انسان صالح به عنوان خلیفه خداوند مأمور آباد نمودن زمین است" "هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها" (هود/۶۱) و در پیشرفت های صنعتی و تکنولوژی تحولی شگرف رخ خواهد داد." (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۶۶) حاصل آنکه جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضاء می کند که هر علم

مفید و نوافعی که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است علم دینی (مبتنی بر قرآن و عترت) خوانده شود و مراکز علمی و آموزشی باتوجه به آن بنا گردد. بر همین اساس کتاب خداوند ریشه و اصل تمام علوم را به صورت کلی و نه جزئیات داراست و انسان را بدان هدایت و تشویق می کند. علم کامل آن نزد معصومین است که برخی از آن را در قالب روایات تفسیری و غیر تفسیری برای مردم بیان کرده اند لذا وجود کتبی همچون طب النبی، طب الصادق و طب الرضا (ع) در مسایل پزشکی و کتبی در غیر پزشکی از این قبیل است. اما در مورد غیر معصومین، آنها به میزان علم، دقت و طهارت نفس می توانند به بخشها و مواردی از آن دست یابند. از این رو تشویق آیات قرآن و روایاتی نظیر "عالم زنده است اگرچه مرده باشد و جاهل مرده است اگرچه در حیات مادی باشد" (رضوان طلب، ۱۳۸۸: ۱۶۰) از دیرباز اندیشمندان شیعی را بر آن داشت تا موافقت خود را نسبت به تفسیر علمی آیات قرآن در سخن یادر عمل اعلام کنند. از جمله آنان می توان از ابن سینا، غزالی، ملاصدرا، طنطاوی، اسکندری و از معاصرین آیه الله طالقانی، محمدتقی شریعتی و پاکنژاد یاد کرد. (رضایی، ۱۳۸۷، ۲: ۱۹۳-۲۰۱)

۴) نقش مراکز علمی و آموزشی در توسعه علوم (انسانی) قرآن بنیان

مراکز علمی و آموزشی باید آرامش بخش، ارتقاء بخش و تعالی بخش در تمام ابعاد مادی و معنوی باشد و برآیند همه این ها بایستی آموزشگاهی باشد که به عنوان الگو و اسوه در جهت ترویج و تبلیغ فرهنگ اسلامی درسه مقوله بهره وری، ارزش افزوده که نتیجه بهره وری است و فرهنگسازی، توسعه و پیشرفت بر مبنای نگرش توحیدی که همان هدف و غایت اصلی است و محوریت آن انسان الهی است حرکت کند؛ باید متعلم را شناسایی، انتخاب، استعدادیابی و جذب و در او ظرفیت سازی کند که برای هر یک رسالت و ماموریتی خاص تعریف شده است. در نتیجه آموزشگاه ها، مکانها و کانون های علمی-آموزشی بر اساس رسالتی که دارند، اعم از نوع آموزش، سن دانش آموزان، محتوا، الگوها و شیوه های آموزشی و مسوولیت افراد، گروهها و مسئولین متفاوت و درحوزه های مختلف قابل بررسی است.

۵) اقسام مراکز و اماکن علمی و آموزشی

از نظر مکتب وحی، عالم سراسر آموزشگاه است و زندگی در حقیقت عرصه آزمون بشر بر اساس آموخته هاست "الذی خلق الموت والحیاء لیلوکم" (ملک/۲) آموزشی که کلیات آن برفطرت انسان انجام گرفته است و سیر آن از مهد تا لحد است که "اطلبوا العلم من المهد الی

اللحد" (فیض، ۱۴۰۶، ۱: ۱۲۶) از این رو مخاطبین و آموزش پذیران دورانها و مکانهای آموزشی در زندگی افراد را می توان از کودک و خانواده آغاز و سپس کودکان، مراکز پیش دبستانی، دبستان، دبیرستان، حوزه یا دانشگاه، مراکز و موسسات آموزش غیر رسمی، دیگر امکانات و ظرفیتهای آموزشی نظیر فضای مجازی، صدا و سیما، نماز جمعه، مساجد، عتبه های مقدسه معصومین(ع) و امامزادگان و غیر آن برشمرد که هر یک نیز متناسب با مناسبتهای تاریخی و مذهبی گوناگون همچون اربعین، حج، اعتکاف و غیر آن از ظرفیتی مضاعف بهره مند می گردند. علاوه بر آن که تابلوها، امکانات تبلیغی و هر آنچه که شهروندان در زندگی روزمره و مسیر خود در خیابانها و غیر آن ملاحظه می کنند نیز می تواند سهمی در آموزش عمومی داشته باشد که باید از هدفمندی، هماهنگی و یکپارچگی برخوردار بوده میان آنها رابطه معناداری برقرار باشد افزون بر آن از نظر منابع دینی، در و دیوار عالم خلقت نیز مدرسه ای برای است(روم/۲۵-۲۲) اما طی مراحل به صورت پیوسته و گام به گام از موارد مهمی است که در آموزش تکوینی و تشریعی انسان کاملاً ملحوظ است؛ کودک از دوران جنینی به تدریج برآمخته های خودمی افزاید در تشریع نیز آموزش امری تدریجی و پیوسته قلمداد شده است تا متعلم را به آرامش قلبی برساند "کذلک لثبت به فوادک" (فرقان ۳۲/۳) با این حال آیا امروزه وضعیت آموزشی و علم آموزی نیز با تشریع و تکوین همسو و هم آوا می باشد؟ آیدانش بشر آرامش قلبی او را به دنبال داشته است؟ پاسخ منفی است. زیرا آنچه سبب می شود مراکز متعدد و متکثر علمی - آموزشی و بطور کلی امر آموزش نتواند رسالت خود را بخوبی ایفا کرده، برون داد قابل توجهی داشته باشد، مشکل انقطاع هر مقطع از مقطع قبل و بعد از خود و انقطاع از مبدا وحی و انحصار توجه به "حین" است که باید در جهت رفع آن اقدام گردد.

۶) سیر، تاریخچه و نقش مراکز علمی و آموزشی

مراکز آموزشی و پژوهشی در اسلام از جایگاهی ویژه برخوردار است چراکه قرآن کریم پیوسته از اهمیت علم و برتری دانشمندان سخن گفته، مسلمانان را به علم آموزی تشویق کرده است. پیامبر اکرم(ص) با نخستین روزهای بعثت شریف و سپس دیگر معصومین(ع) به این مهم توجه داشتند و بویژه در دوران صادقین(ع) دانشگاهی با حدود ۴ هزار شاگرد و متخصص در علوم قرآن، فقه، اصول و مساله امامت و رهبری شکل گرفته بود. (اسدحیدر، ۱۹۶۹، ۳: ۵۰) در عین حال امام صادق به مسائل تجربی اهتمام داشته خود در رشته های گوناگون از جمله کیمیا تخصص داشت.

مجلس درس امام بیشتر در مسجد برگزار می شد و اغلب شاگردان وی حلقه های درس را در آنجا تشکیل می دادند. (ابن خلکان، ۱۳۳۷، ۱: ۲۹۱) بنابراین مساجد، اولین مراکز آموزشی و تربیت نیروی انسانی (پس از خانواده) به شمار می آیند.

۷) مراکز علمی-آموزشی با الگوی اروپایی

برغم آنکه با اطمینان می توان گفت که معلوم نیست بدون آشنایی با مطالعات مسلمانان در علم جبر و نجوم و کیمیا فرهنگ غربی چه صورتی می توانست پیدا کند (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۱۶) چراکه دانشگاه الازهر مصر به عنوان مرکز وسیع تعلیماتی در قرن نهم میلادی شروع بکار کرد در صورتی که تاسیس قدیمی ترین دانشگاه های غربی به دهه اول قرن سیزدهم می رسد (همان: ۵) دربره ای از زمان اما برای مسلمانان ایرانی بانظام های آموزشی مغرب زمین اندک آشنایی ای حاصل شد و پاره ای دیگر گونی ها نیز رخ داد. در دوره قاجار مکتب خانه و مدرسه های قدیمی به حیات خود ادامه دادند و حوزه های جدیدی نیز بنا گردید و نوآوری های بیگانه ای همچون اعزام دانشجو به خارج، ایجاد مدارس میسیونری، تعلیم کمک های پزشکی و تاسیس مدارس برای اقلیت های دینی انجام شد. وجود مکتب خانه ها و مدارس قدیمی از یک طرف و اعزام دانشجو به خارج و تاسیس مدارس میسیونری از طرف دیگر نظام آموزشی یکپارچه و اسلام بنیان را برهم زده دو نظام متفاوت آموزش را در تقابل با یکدیگر قرار داد. در چنین وضعیتی دولت توانست اندک اندک نهادهای آموزش و پرورش را (که تا آن زمان به صورت مشترک توسط مردم و علما و به دور از سلطه دولت ها اداره می شد) در حیطه قدرت خود قرار دهد و در نتیجه مشکلاتی به ویژه در تصدی امور مدارس ایجاد شد. (ولایتی، ۱۳۹۲، ۱: ۵۱) در همین ایام بود که اولین مدرسه به سبک اروپایی جهت رواج دانش و فن غربی توسط امیر کبیر به نام دارالفنون یا همان پلی تکنیک بارشته های گوناگون تاسیس شد زبان آن فرانسه و مدیریت آن کاملاً وابسته وزیر نظر دربار بود. (ولایتی، ۱۳۹۲، ۱: ۵۲) در دوران پهلوی اول و دوم نظام آموزشی، اعم از محتوا، اساتید، مدیران و نحوه گزینش دانش آموزان و دانشجویان و اهداف آموزشی متناسب با فرهنگ و اهداف استعمار بکلی دچار تغییر شد. نتیجه آن که تغییر سبک آموزش و ساختار مدارس از حالت بومی و دینی به حالت غربی و فرنگی، کم کم پیوند حوزه و دانشگاه را کمرنگ و به تقابل این دو نهاد علمی انجامید و دانش سکولار جایگزین علوم مبتنی بر نگرش و حیانی گردید لذا امروز جامعه علمی کشور نیازمند یک رنسانس و بازگشت به نگاه علمی اسلامی است تا از وابستگی نجات یابد و نقش و سهم مراکز آموزشی در سودهی جامعه در آن اهمیت بسزا دارد و نیازمند بازنگری دقیق و جدی در تمام

مسائل اعم از ساختار، دوره های آموزشی، نظام گزینش و جذب اساتید، پذیرش دانشجو و بکارگیری دانش آموختگان، نظام ارزیابی و ارزشیابی و غیره همه می باشد درغیر این صورت قرارداد علوم قرآن بنیان در آن مطروفی ارزشمند در ظرفی نامناسب خواهد بود.

۸) مراکز و محتوای آموزشی

از دیرباز عالمان دینی نه تنها علوم انسانی، بلکه علوم تجربی را غیر دینی نمی شمردند و اسلامی سازی علوم (علوم مبتنی بر قرآن و سنت) و فراگیری آن را ضروری می دانستند. این توجه در دورانهای اخیر نخستین بار از سوی محمد نقیب العباس از صاحب نظران مالزیایی مطرح شد؛ اما مضمون اسلامی کردن علوم جدید، از اوایل قرن بیستم توسط ابوالعلاء مودودی در ۱۹۳۰ مطرح شد و در این باره چنین گوید: "تجددگرایان کافی می دانند که به فهرست دروس، معارف اسلامی را بیفزایند. موقع آن است که مسلمانان از نظام قدیمی و کهنه آموزش و نیز از نظام جدید با جهت گیری سکولار رهایی یابند و یک نظام جداگانه آموزشی برای خودشان بسازند که سرشت آن تا آن جا که ممکن است جدید (و اسلامی) باشد. (گلشنی، ۱۳۷۷: ۱۴۵-۱۴۶)

در مجموع می توان گفت اندیشمندان اسلامی بویژه شیعی آموزش علوم را بر دو نوع می دانند:

۱-۱۴) زیان بخش یا بی ثمر

۲-۱۴) دانش های سودمند

آنها به دانش های سودمند جنبه دینی داده درباره آنها مسائلی را لحاظ می کردند که عبارتند از:

۱-۲-۱۴) جلوگیری از نفوذ فلسفه های غیر دینی و بیش های مادی گرایانه

۲-۲-۱۴) باور به وجود ارتباط مستقیم علوم طبیعی با وحی و علوم دینی

۳-۲-۱۴) رسیدن به باطن از طریق گذر از ظاهر

۴-۲-۱۴) شعورمند بودن همه موجودات و برخورد تمثیلی با طبیعت پیرامون و تأثیر آن در علوم؛

۵-۲-۱۴) عدم تفکیک وجدایی علوم تجربی و دینی از یکدیگر

۹) مراکز و الگوهای آموزشی

با تحول علم و فناوری نظریه ها و رویکردهای جدیدی نسبت به علوم و روشهای آموزش مطرح شده است. اغلب متخصصان تعلیم و تربیت به جای انتقال حقایق علمی بر روش و نگرش علمی

در فرایند یاد دهی-یادگیری تاکید دارند. از منظر اسلام آموزش نه تنها پیوسته با تربیت همراه بوده بلکه تربیت بر آن مقدم است "یزکیهم ویعلمهم الكتاب" (بقره/۱۲۹) اندیشمندان بر آنند که روانشناسان تربیتی را می توان به یکی از دوازدوگاه عمومی اندیشه وابسته دانست: بعینیت گرایی و ساختن گرایی. بعینیت گرایی معتقد است که معرفت خارج از یادگیرنده وجود ندارد. در نگرش ساختن گرایی یادگیری فرایند فعال ادراک حاصل از تجربه است و بسیار تحت تاثیر معرفت قبلی قرار دارد. (شعبانی، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۵) بررسیهای دیگر نشان می دهد که در مجموع الگوهای تدریس و آموزش به یکی از این دوروش عمل می کنند: الف: آموزش از کل به جزء ب: آموزش از جزء به کل؛ در آموزش قرآن بنیان امامم بر آگاهیهای درونی افراد که در فطرت او نهاده شده تاکید می شود "علم الانسان مالم يعلم" (علق/۵) و هم بر آگاهیهایی که توسط آیات قرآن توجه بشربدان جلب و آن را کسب می کند؛ از سویی هم آموزش از جزء به کل مطمح نظر است که در کتاب الهی اشاراتی به اجزاء عالم خلقت اعم از مورچه و پشه و غیر آن آمده است (حج/ ۷۳ و نمل/ ۱۸) هم آموزش از کل به جزء؛ یعنی جمع میان دوروش مذکور و نیز روش بعینیت گرایی همراه با ساختن گرایی است، بدان معنا که برای فهم آیات قرآن و آیات خداوند در خلقت باید هم دیدتلسکوپ و هم میکروسکوپ هر دو لحاظ شود تا انسان از این طریق به کشف و شهود و از علم اکتسابی به علم حضوری دست یابد حاصل آنکه بشر کشف است نه خالق و دانش او به تعلیم الهی و من عندالله و نه قارونی و من عندی است. البته بعضی از صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت شاخصهای دیگری نیز برای آموزش بهینه مطرح کرده اند که تمام آن منطبق بر شیوه آموزشی علوم در قرآن کریم است مانند: ۱. ضرورت برانگیختن دانشی که از گذشته در فراگیر وجود داشته است. ۲. کسب دانش به صورت بسته ای کلی و مجموعه ای نه پراکنده و از هم گسیخته؛ که روش قرآن کریم هم در مجموع و هم در قالب هر سوره چنین است. ۳. قابل اجرا بودن اهداف کلی و عینی آموزش؛ (شعبانی، ۱۳۸۶: ۳۶) ۴. آماده سازی فراگیر توسط معلم از طریق خواندن یک داستان یا حکایت تاریخی (بروس و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۸) که در قرآن کریم به عنوان "احسن القصص" جایگاه ویژه دارد. ۵. توجه به تاثیر خارق العاده ایجاد روحیه همیاری در میان آموزش دهندگان و فراگیران؛ (بروسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۶) همان که برخی آن را به منزله تنفس جامعه می دانند (آقازاده، ۱۳۹۴: ۷۳) و در اسلام در قالب امت سازی، امر به معروف و نهی از منکر، برنامه های آموزشی و عبادی جمعی و پرهیز از خود محوری و مواردی از این دست کاملاً مشهود می باشد. ۶. تقویت یادگیری؛ شناخت گرایان معتقدند انسان از یک نظام درونی تصمیم گیر برخوردار است که

رفتار او را کنترل می‌کند. تقویت از طریق تکرار رفتار، تردید را کاهش و به انسان خودباوری می‌دهد. (سیف، ۱۳۷۱: ۲۱۱) که این نیز درآموزه های قرآن بنیان و روش آموزشی قرآن مشهود است.

۱۰) مراکز و مدارک تحصیلی

گذراندن آزمون راهیابی به مراحل بالاتر و اخذ مدرک تحصیلی از مواردی است که درآموزه های قرآن بنیان باید مد نظر قرار گیرد. از منظر قرآن کریم آفرینش مرگ و زندگی به جهت آزمون بشر است (ملک ۲/ و ابراهیم ع) نیز پس از موفقیت در آزمون های سخت به مقام امامت نائل گشت. (بقره/ ۱۲۴) در تجربه مسلمانان نیز از دیرباز دانش آموختگان مدارس اسلامی مدارکی دریافت می کردند. پایان نامه های تحصیلی "اجازه" یا همان دانشنامه خوانده می شد. اجازه ابتدا در مورد حدیث بود سپس تمام رشته ها حتی سیر و سلوک و عرفان را شامل شد. در اجازه نامه به استعداد و تیزهوشی فرد و همچنین سفرهای علمی و دانش پژوهشی و تعداد استماع و قرائت وی توجه می شد. (ولایتی، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۴) لذا ارائه دانشنامه با عنایت به تمام جوانب علمی فرد از مسائل مهم و ضروری در جهت اصلاح وضعیت آموزشی می باشد.

۱۱) مراکز و نیروهای انسانی

از جمله ارکان مهم مراکز علمی و آموزشی، منابع انسانی اعم از مسوولان، مدیران و اساتید آنهاست که در تمامی سطوح آموزشی، رسمی و غیررسمی باید مورد نظر قرار گیرد. از آنجا که دانشگاه همچون کارخانه انسان سازی به تامین منابع انسانی مورد نیاز جامعه در تمام سطوح می پردازد و نیز از آنجا که بنابر فرمایش حضرت امام (ره) دانشگاه مبداهمه تحولات است و از دانشگاه سعادت و شقاوت یک ملت سرچشمه می گیرد (امام خمینی، ۱۳۹۳، ۸: ۶۴) لذا در این مورد به اختصار مطالبی مطرح می گردد.

۱-۱۱) دانشگاه تامین کننده نیروی انسانی جامعه

دانشگاه و سیاستهای آن در جهت نیل به اهداف و رسالتهای آن باید از چند جهت مورد نظر قرار گیرد:

۱-۱-۱) سیاستگذاری و تنظیم برنامه های رسالت محور

بعض مواردی که باید در تنظیم برنامه ها لحاظ گردد عبارتند از:

۱-۱-۱-۱) هماهنگی و پاسخگویی به نیاز جامعه و مطالبات ملت

۱-۱-۱-۲) حرکت در جهت دستیابی به اهداف و رسالت دانشگاه طراز اسلام و انقلاب

۱-۱-۱-۳) حرکت در جهت رشد و تعالی، رفاه، سلامت و تحقق حیات طیبه در جامعه

۱-۱-۱-۴) تبدیل دانشگاه به نهادی مستقل و غیر وابسته در خدمت استقلال همه جانبه کشور

۱-۱-۱-۵) ایجاد ارتباطی مستحکم میان دانشگاه و حوزه های علمیه

۱-۱-۱-۶) جذب نیروی انسانی

در جذب و بکارگیری نیروی انسانی در دانشگاه در تمام سطوح اعم از خدمات، کارمندان، مدیران، اساتید و دانشجویان لحاظ شاخصهایی متناسب با رسالت آن ضروری است. این امر اما در پذیرش دانشجو و به طور خاص در جذب اساتید از اهمیت بسیار برخوردار است. چراکه بنابر فرمایش امام (ره) ضربه های مهلکی که از سوی اساتید غریزه و شرق زده و منحرف رژیم پهلوی بر کشور وارد شد بدتر از سرنیزه رضاخان و پسرش است. (همان، ۱۵: ۴۴۶) از این رو باید اساتیدی مستقل و بدون وابستگی و دلبستگی به بیگانگان، مومن به انقلاب، متخصص و متعهد به قواعد و احکام اسلام و دانشجویانی تلاشگر و متعهد جذب شوند.

۱-۱-۳) منابع و محتوا

همراه با موارد مذکور، منابع و محتوایی باید متناسب و همسوی با آن تامین گردد. و از آنجا که بیشتر در بحث دانش های قرآن بنیان بدان پرداخته شد از ذکر مجدد خودداری می شود.

۱۱-۲) نکات و الزامات شیوه های آموزشی دانشگاه ها

بیشتر در مورد الگوهای آموزشی مطالبی مطرح گردید اما در مورد دانشگاه ها باید نکاتی لحاظ گردد:

۱-۲-۱) بازنگری و بروز رسانی شیوه های آموزشی موجود

۲-۲-۱) بهره گیری از شیوه ها، نظام ارزشیابی و امتیاز بخشی مطرح شده در آموزه های قرآن و عترت

۲-۱۱-۳) تحول در روش آموزش با بهره گیری از شیوه های آموزشی و تجربه های موفق

پیشینیان و امروز

۲-۱۱-۴) بومی سازی و متناسب سازی موارد مذکور بر اساس نیاز، توان و ظرفیت مخاطبان

۲-۲-۱) هماهنگی، استمرار و یکپارچگی آموزش و عدم انقطاع در آن در سطوح و مراتب گوناگون

۲-۱۱-۶) استمرار ارتباط دانش آموختگان و فارغ التحصیلان با مراکز آموزشی و پژوهشی به

صورت حضوری و غیر حضوری به منظور تبادل و تکمیل و بروز رسانی اطلاعات و آرایه خدمات متقابل.

نتیجه گیری

پس از گذشت چهاردهه از پیروزی انقلاب اسلامی و رسیدن به کمال در چهل سالگی، در آغاز ورود به دهه پنجم، ارزیابی عملکرد گذشته، بازنگری آن و ورود به یک نظام نوین آموزشی بویژه در سطوح بالاضروری است. در چهاردهه اول انقلاب، تمرکز نظام آموزش عالی عمدتاً به ترتیب بر اساس ۱. توسعه آموزش ۲. پژوهش ۳. حرکت بسوی توسعه فناوری و کارآفرینی و ۴. نوآوری و خلاقیت انجام گرفت و در نتیجه در بسیاری از عرصه‌ها رتبه‌های اول تا دهم جهان نصیب کشور گردید؛ اما اینک زمان آن رسیده تا در آغاز گام دوم انقلاب با استفاده از تجربه چهاردهه گذشته، در جهت تحقق نظامی نوین مبتنی بر اهداف انقلاب و همجنس با ماهیت اسلامی و قرآن بنیانی آن گام برداشته شود و رنسانس و انقلاب فرهنگی دیگری در نظام آموزشی و پژوهشی در تمام مراحل و اشکال عمومی، تخصصی، علوم انسانی و غیر آن مبتنی بر قرآن کریم و عترت ایجاد شود و با توجه به اهمیت جایگاه مراکز و کانون‌های آموزشی و پژوهشی به عنوان مجموعه‌ای متشکل از مدیران و کارکنان، معلمان، متعلمان، محتوای درسی، شیوه‌ها و برنامه‌های آموزشی و تربیتی باید بازنگری، دقت، نظارت و برنامه‌ریزی و بازمهندسی لازم در آن صورت گرفته در این راه از سوابق درخشان مدارس و مراکز علمی اسلامی از ابتدای اکنون و نیز از تجربیات موفق دنیا الگوگیری شود و باید توجه داشت اگر هم اکنون اقدامی در این راستا مشاهده نمی‌گردد، اما تصویر آینده بویژه در حکومت مهدوی از تحقق کامل آن حکایت می‌کند. لذا پیشنهاد می‌گردد: ۱. بسترسازی مناسب از طریق برگزاری نشستهای علمی- تخصصی میان مراکز علمی در سطوح ملی و جهان اسلامی فراهم شود. ۲. نتایج آن نشستها به صورت اسنادی جهت تصویب به مراجع ذیصلاح تقدیم گردد. ۳. کمیته‌ای به منظور ارزیابی پیشرفت و تحقق آن، تا رسیدن به مقصود تشکیل شود. ۴. اتحادیه‌ها و انجمنهای تخصصی و هیات‌های اندیشه ورز با حضور نخبگان حوزوی و دانشگاهی جهان با هدف رصد، آسیب شناسی و ارایه راهکارهای لازم تشکیل گردد. ۵. حمایت لازم از سوی مسوولان و دست اندرکاران از طرحها و پژوهشهای مرتبط و تاسیس مراکز آموزشی قرآن بنیان انجام گیرد. ۶. تمهیدات مناسب جهت تبدیل پیشنهادات و طرحهای مربوطه به گفتمان غالب و مطالبه عمومی بویژه در میان نخبگان صورت پذیرد.

منابع

قرآن کریم.

آقازاده، محرم (۱۳۹۴). روشهای نوین تدریس، تهران: آیش.

آکوچکیان، احمد (۱۳۹۵). ماهیت و ساختار معرفت شناخت - روش شناخت علوم انسانی قرآن بنیان، مجموعه مقالات اولین همایش علوم انسانی قرآن بنیان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

ابن خلکان (۱۳۶۷). وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، محی الدین عبدالحمید، قاهره: مکتبه النهضه المصریه.

استادآقایی، عباس (۱۳۹۲). از ظهور جهان تا جهان پس از ظهور حضرت مهدی (ع)، قم: یاران مهدی، چ ۳.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). امام مهدی، موجود موعود، قم: اسراء، چ ۲.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). زن در آینه جلال و جمال، قم: اسراء، چ ۲۶.

جویس، بروس؛ مارشا، ویل و امیل، کالهن (۱۳۸۰). الگوهای تدریس ۲۰۰۰، مترجم محمدرضا بهرنگی، تهران: کمال تربیت.

جویس، بروس؛ کالهن، امیل و هاپکینز، دیوید (۱۳۹۳). الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس، ترجمه محمود مهرمحمدی و لطفعلی عابدی، تهران: سمت.

حسینی، علی اکبر (۱۳۹۲). تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۵.

حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۳). دغدغه های فرهنگی، تهران: صهبا، چ ۲۷.

حیدر، اسد (۱۹۶۹م). الامام الصادق و المذاهب الاربعه، بیروت: دارالکتاب العربی.

دشتی، محمد مهدی (۱۳۷۷). از علم سکولار تا علم دینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی

دورانت، ویل (۱۳۶۸). تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالبی و دیگران، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

ذوفن، شهناز (۱۳۸۸). کاربرد فناوریهای جدید در آموزش، تهران: سمت.

رازی، ابوالفتح (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای استان قدس.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). منطق تفسیر قرآن، ج ۲، قم: جامعه المصطفی الغالبیه.

رضوان طلب، محمدرضا (۱۳۸۸)، آیین اخلاقی دانشجویان، تهران: حفظی.

زیدان، جرجی (۱۳۸۴). تاریخ تمدن اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۱.

شعبانی، حسن (۱۳۸۶). روش تدریس پیشرفته، تهران: سمت.

صدوق، ابن بابویه (۱۳۶۲). امالی، تهران: اسلامیه، چ ۴.

- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶). الوافی، اصفهان: کتابخانه امیر المومنین (ع).
- قاسم زاده، علی و رضایی بالاجو، پیمان (۱۳۹۲). حدیث آفتاب، ارومیه: شهرداری.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۹). آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم: گنج معرفت، چ ۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). کافی، تهران: اسلامیه، چ ۴.
- گلشنی، مهدی (۱۳۷۷). از علم سکولار تا علم دینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مجتبوی، سید جلال الدین (۱۳۶۳). فلسفه در ایران، مجموعه مقالات فلسفی در ایران تهران: سمت.
- اجلاس جهانی اساتید دانشگاهها و بیداری اسلامی (۱۳۹۱). مجموعه مقالات، تهران: ابناء روح الله.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت، گروهی از نویسندگان، تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش و پرورش.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). استاد مطهری و روشنفکران، تهران: صدرا، چ ۷.
- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۳). دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: جلد ۱۳.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۳). صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام.
- میر باقری، سید مهدی (۱۳۸۹). گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی، قم: نشر ولایت.
- نوری، میرزا حسین (۱۳۸۶). نجم ثاقب در احوال امام غائب، قم: مسجد جمکران.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۶). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲). تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: امیرکبیر.